

نقدی به وینار حقوقی دکتر محمد راسخ با موضوع
«قانون‌گذاری در جامعه مسلمانان»

یک طرفه به قضاوت مسلمانان رفته‌اید!



سردبیر

محمد علی الفت‌پور

بنابراین مبانی دینی، ادعای تجلی‌گر اراده عمومی بودن قانون را کاملاً نفی می‌کند. آنچه ما از شریعت می‌فهمیم و کارشناسان، مجتهدان و مراجع تقلید و صاحب‌نظران در حوزه مسائل شرعی و اعتقادی تاکنون فهم کرده و نوشته‌اند، نه تنها چنین عبارتی تأیید نشده، بلکه آن را رد می‌کنند؛ حتی کسانی که ساخت عمل دین را فقط به مثابه مسائل عبادی و فردی می‌پندارند، چنین اعتباری را به‌طور کلی نمی‌پذیرند.

علاوه بر این، مسئله دموکراسی در حال حاضر در دنیای غرب با چالش‌های جدی مواجه است و خود جوامع غربی هم در فضای آکادمیک خود، مبانی و متدلوژی آنچه را ما از دموکراسی پذیرفته‌ایم و تجلی اراده عمومی بودن آن را نقد می‌کنند و این مسئله روزبه‌روز مخالفان جدی‌تری پیدا می‌کند.

اتفاقات رخ داده در جوامع مدرن در این زمینه نشان می‌دهد، آنچه به مثابه دموکراسی تلقی می‌شود، جز استبداد اکثریت نیست و در موارد بسیاری، اتفاقاً ضد حقوق بشر عمل کرده و کارآمدی آن برای اداره اجتماع هم زیر سؤال رفته است.

گفتنی است، این ادعا که قانون صرفاً باید تجلی‌گر اراده عمومی باشد، با مبانی دینی جوامع

۹۹ مبانی اسلام جامع و کامل و مصداق آیه شریفه «لارطب و لا یابس الا فی کتاب مبین» هستند و این مبانی و چارچوب‌ها به صورت کلی تمام تغییر و تحولات اجتماعی را در بر می‌گیرند. باید به این مهم توجه کرد که اسلام برای خلق تکنیک‌ها و روش‌های جزئی نیامده و اصلاً هدفش خلق تکنیک، روش و متدلوژی‌های ریز عقلی، ریاضی و تجربی نبوده است. چارچوب‌ها و مبانی اسلام همیشه ثابت بوده و در عرف اجتماعی تمام ملل مسلمان مورد تأیید قرار گرفته است. ۶۶

در دنیا شناخته می‌شوند، غیردموکراتیک است و شاکله کشورهای دموکراتیک آن چیزی نیست که به‌عنوان مبنا و منبع تأسیس حکومت‌ها در جوامع اروپایی مشاهده می‌شود؛ چون هنوز هم در اروپا جوامع پادشاهی وجود دارد و اکنون بخشی از فرایند قانون‌گذاری این کشورها مبتنی بر دموکراسی به مفهوم غربی آن است؛ ولی فرایندهایی که این کشورها طی می‌کنند تا به دموکراسی برسند، با تعریف موجود از دموکراسی غربی متفاوت است.

دکتر «محمد راسخ» در وینار ۱۴ شهریور ۱۳۹۹، درباره «نسبت بین شریعت، فقه و حقوق» موارد مختلفی را مطرح کرده که این نوشتار به نقد و بررسی آن پرداخته است.

نخستین نکته در اظهارات دکتر راسخ در مورد «نسبت بین قانون و اراده عمومی» است که نشان می‌دهد، به اعتقاد وی «قانون باید تجلی اراده عمومی باشد». او به‌عنوان یک مسلمان، قاعداً باید در چارچوب اسلام به‌مواجهه با قواعد دینی بپردازد؛ اما در چارچوب‌های متصور خود از دین اظهار نظر کرده‌اند و ادعاهایشان با مبانی اسلامی در تنافر جدی است. بر اساس آنچه در شریعت مبین وجود دارد و شریعت از اراده عمومی استیفا می‌کند، اراده عمومی به مثابه قانون و معیار نیست. در اسلام هیچ‌کدام از منصوصات شرعی و دینی و کلام‌الله مجید این مفهوم را تأیید نمی‌کند که قانون باید تجلی‌گر اراده عمومی باشد.

علاوه بر نصوصات دینی، تجربه بشری در دوره‌های مختلف تاریخی نشان می‌دهد که هیچ‌گاه اراده عمومی مبنا و منبع قانون‌گذاری و حتی تشکیل حکومت به‌صورت مستقل نبوده است. پایه و بنیان تأسیس حکومت کشورهایی که اکنون به‌عنوان مظهر دموکراسی